

# توسعه پایدار و عناصر تشکیل دهنده

## آن در برنامه ریزی شهری

قربان پناهی جلودارلو

کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری

### چکیده

مقاله حاضر پیرامون توسعه پایدار و عناصر تشکیل دهنده آن در برنامه ریزی های شهری، در جهت معرفی این مقوله که جایگاه مهمی در ادبیات و مطالعات شهری دارد، نگاشته شده است. از مرور مطالعات و بررسی های زیست محیطی انجام شده پیرامون مسائل شهروشنینی چنین استنباط می گردد که شهروند می بایست محور اصلی و اساسی تمامی برنامه های شهری قرار گیرد و بی توجهی و یا کم توجهی به محیط زیست آن منجر به بروز بحرانهای عمیق زیست محیطی در محیطهای زندگی وی از جمله محیط شهری خواهد شد. ایجاد زمینه های توسعه برنامه ریزی مشارکتی (مشارکت شهروندان در برنامه های شهری)، تأمین مشارکت کلیه گروه های ذینفع، هماهنگی میان برنامه های خرد و کلان، ترویج و گسترش روشهای پایدار توسعه شهری و بهره گیری از ابزارهای کمکی در مدیریت شهری عناصر اصلی مقوله توسعه پایدار شهری را شامل می شود.

### مقدمه

مقوله توسعه پایدار مفهومی است که بعد از دهه ۹۰ وارد مباحث و ادبیات زیست محیطی شده است و طرفداران بسیاری مخصوصاً در کشورهای توسعه یافته اروپایی پیدا کرده است. جوهر وجودی انسان با ظرفیتهای معلوم آفریده شده است و هدف از توسعه ایجاد محیطی است که در آن همه مردم بتوانند ظرفیتهای خود را بسط دهند، و نیز قادر باشند فرصت هایشان را برای نسلهای حال و آینده گسترش دهند، از این

رو اساس حقیقی هر توسعه ای، توسعه انسانی و تصدیق جهانی است که هر شخص در زندگی خود ادعا می کند. در اصل ۱ و ۴ کنفرانس محیط زیست و توسعه که در سوم الی چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شده است و به منشور زمین معروف است آمد:

- انسانها موضوع اصلی هرگونه توسعه هستند و برخورداری از سلامت و تواناییهای جسمی و روحی، جزو حقوق انسانها در قبال طبیعت است.  
- به منظور دستیابی به یک توسعه مستمر باید حفاظت از محیط زیست به عنوان جزء لاینفک توسعه تلقی شود و نباید آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهند. (Cofernce On Environment...1992) با این مقدمه کوتاه اکنون به توسعه پایدار می پردازیم.

### توسعه پایدار

توسعه پایدار چیست و چه مفهومی را در خود دارد که چندین سال اخیر بسیاری از نظرها را به خود معطوف کرده است؟  
مفهوم رشد در برابر توسعه قرار می گیرد، توسعه یک مفهوم کیفی را شامل می شود و می توان آن را معادل با افزایش کیفیت زندگی دانست که مسائلی مانند بهداشت، آموزش، رفاه، آزادی حق بیان، حقوق و... را در بر دارد.

اما مفهوم پایداری توسعه شامل چندین مفهوم می باشد، یعنی پایداری مفهوم اکوسیستم محیط زیست، پایداری توسعه اقتصادی و پایداری رفاه انسانی (Glae&Corday:1994) بنابراین پایداری توسعه اقتصادی اجتماعی و سیاسی که تضمین کننده کیفیت مطلوب زیستی باشد و بتواند

فقر، بیکاری و کم کاری را از بین ببرد، از این رو وظیفه توسعه پایدار در این کشورها فراتر از مفهوم آن در کشورهای توسعه یافته می باشد. (Rey:1993) بنابراین هدف از ایجاد چنین توسعه‌ای را می توان اینگونه بیان کرد: ایجاد محیطی است که در آن همه مردم بتوانند ظرفیت و تواناییهای خود را بسط دهند و نیز بتوانند فرصتهایی را برای نسلهای کنونی و آینده ایجاد نمایند. پس ابزارهای واقعی این توسعه خود مردم می باشد که از طریق زیر قابل حصول می باشد.

- ۱- اصل برابری در بین نسلی و میان نسلی
- ۲- در نظر گرفتن افقهای زمان طولانی تر در برنامه ریزی ها
- ۳- درک ارزش محیط زیست

### نقش آموزش در توسعه پایدار

آنچه که نباید در این میان فراموش گردد اهمیت و نقش آموزش در مقوله توسعه پایدار است. همچنانکه فدریکو مایور ریاست یونسف معتقد است که آموزش برای همه اساس توسعه پایدار انسانی است. آموزش بنیادی همچنان اولویت مطلق به حساب می آید، زیرا نخستین گام ضروری برای پیشرفت یادگیری در دست ارزنها و گسترش دیگر مهارتهای ضروری برای زندگی نیز نقش اساسی را ایفا می کند. آموزش وسیله ای است که آدمی را حاکم بر شخص و سرنوشته می سازد. آموزش کلید دموکراسی واقعی و مشارکت است و صلح و توسعه پایدار با آن پیوندی ناگسستنی دارد. (Unesco Couirrc;1997)

اما آموزش فقط به معنای یادگیری مطالب نیست بلکه فراگیری پرداختن به عمل، فراگیری زیستن و به ویژه فراگیری همزیستی و فراگیری احترام به محیط زیست را نیز می دهد. خوشبختانه افکار عمومی نسبت به مسائل زیست محیطی تا حدودی تغییر پیدا کرده است. که این امر می تواند نقطه شروع مناسبی برای جنبش های زیست محیطی محسوب گردد تا جایی که بونفو می گوید که مردم جهان به گونه ای روزافزون از خطرات ناشی از تخریب محیط زیست آگاهی می یابند. این مسئله که تا مدتی طولانی تنها مورد توجه کارشناسان بود، به سرعت توجه عمومی را به خود جلب کرد و حتی به صورت موضوعی برای جلب آرا مردم در مبارزات انتخاباتی در آمد (محلانی، ۱۳۷۵).

استراتژی هایی که در راستای توسعه و سزایماندهی فضایی کشور با در نظرگیری محیطی می تواند مدنظر قرار گیرد عبارتند از:

- ۱- حفاظت و احیاء منابع محیط زیست به منظور افزایش زمان بهره برداری و جلوگیری از اتلاف آن
- ۲- حفظ اکوسیستمهای طبیعی در حوزه های آبخیز جهت باز تولید و باروری منابع طبیعی
- ۳- مهار آبهای سطح الارضی و انتقال آب بین حوزه ها
- ۴- حفاظت محیط زیست در ارتباط با بهره برداری از منابع طبیعی تجدیدناپذیر که ایجاد می کند به ازاء بهره برداری از این منابع، منابع دیگری جایگزین کرد. تجهیز منابع خوردشیدی، بادی، آبی، بيوگاز و غيره

مسائل یاد شده را به صورت پایدار و ماندگار حفظ کند. معنای توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ به صورت رسمی از جانب کمیسیون جهانی محیط زیست این چنین بیان گردید:

"توسعه و حفاظت از طبیعت (پایدار) جستجو برای روشی از پیشرفت اقتصادی که رفاه نسلهای آینده را به خطر نیندازد."

به سخن دیگر گزارش براتلند مفهوم توسعه پایدار چنین آمده است که این نوع از توسعه نیازهای نسل فعلی را بدون آسیب رساندن به ظرفیتهای آینده متعلق به نسل آتی پاسخگو می باشد. (Moughtin:1996)

از این رو توسعه پایدار را می توان اینگونه تعبیر کرد، فرایندی است که در طی آن علاوه بر کیفیتهای مناسب زندگی و نیازهای نسل آینده، حفاظت محیط زیست نیز مدنظر می باشد. (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۵)

نظریه توسعه پایدار در واقع حاصل مباحث و نگرشهای زیست محیطی و طرفداران محیط زیست می باشد و در راستای حمایت و محافظت از منابع طبیعی پایه عرصه وجود گذاشت. در این رویکرد، نگهداری پتانسیل طبیعی برای حال و آینده در خلال استفاده بهینه از زمین و ضایعات کمتر منابع تجدیدناپذیر مدنظر است و بر جلوگیری از آلودگی محیطهای شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیتهای تولید محلی، ناحیه ای و ملی، عدم حمایت از توسعه های زیان آور و جلوگیری از ایجاد شکاف میان فقیر و غنی تأکید دارد و نیز راه رسیدن به این الگوها را از طریق برنامه ریزی شهری، روستایی، ناحیه ای و ملی در راستای کنترل کاربریها و کنترل بیشتر در شهر و روستا می داند و به نقش دولت در برنامه ریزیها اهمیت زیادی قائل است و معتقد است که دولتها باید از محیطهای زیست در سطوح مختلف حمایت گسترده ای نمایند. (حیدری چپانه، ۱۳۷۶)

چنین تئوریی است که میراث آیندگان را در حاشیه مسائل قرار می دهد. حال اینکه مفهوم میراث برای آیندگان می بایست دو معنی زیر را در برداشته باشد:

- حداقل این میراث بایست معادل میراثی باشد که نسل فعلی از گذشتگان به ارث برده است.
- این میراث صرفاً تا کید بر میراث دست ساز نیست، بلکه، شامل مقوله زیست محیطی نیز می باشد. (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۵)

همانظوری که اشاره شد توسعه پایدار شاخصهای توسعه انسانی جایگاه خاصی دارند و امروزه دیگر به جای شاخص های توسعه اقتصادی، از مفهوم توسعه انسانی صحبت می شود. برخی از این شاخصها عبارت خواهند بود از:

- ۱- سطح زندگی، که مفهومی متجج از قدرت ضرب تولید ناخالص سرانه می باشد.
- ۲- دانش، که ترکیبی از دو عامل باسوادی و سالهای بهره گیری از آموزش می باشد.
- ۳- طول عمر، که با شاخص امید به زندگی قابل اندازه گیری است.
- ۴- آزادیهای مدنی.

در کشورهای جهان سوم، مفهوم توسعه پایدار به طور فعال می بایست

۵- حفاظت محیط زیست در رابطه با منابع تجدیدپذیر مانند جنگلها، مراتع، خاک، آبزیان و غیره  
۶- ارزیابی کلیه منابع (آبی و خشکی) و ارزیابی وضع محیط زیست برای ارتقاء کیفیت برنامه‌های زیست محیطی و اتخاذ سیاست مناسب درباره تخصیص معقولانه منابع زمینی و آبی برای مصارف مختلف  
۷- کمک به جوامع روستایی و تنوع فعالیتهای اقتصادی آنها در جهت کاهش بهره‌برداری بیش از حد منابع طبیعی و حفظ منابع زیست‌محیطی که شالوده اساسی رشد مورد لزوم آنها را تشکیل می‌دهد. (برنامه بودجه، ۱۳۶۲)

### آلودگیهای زیست محیطی

با بررسی مطالب ارائه شده بدین ترتیب مشاهده می‌شود که امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به برنامه‌های حفاظت زیست محیطی احساس می‌شود. انواع مختلف آلودگیهایی که گریبانگیر جوامع کنونی بشریست دلیلی است بر این مدعا.  
آلودگی هوا پدیده جدیدی نیست ولی به طور خاص در عصر حاضر مطرح شده است و نتیجه انقلاب صنعتی می‌باشد که در حال حاضر به طور فزاینده افزایش می‌یابد و سلامت انسانها را تهدید می‌کند. (Harvey; 1996)  
از نظر پروفیسور میلر رشد جمعیت کره زمین با منحنی (J) شکل مطابقت دارد، یعنی به صورت دو برابر شدن رشد می‌کند. (مخدوم، ۱۳۷۱) این بدان معنا خواهد بود که آلودگیهای ناشی از این امر نیز به صورت این منحنی رشد خواهد کرد.

به خاطر عدم وجود ملاحظات زیست محیطی امروزه انواع آلودگیها گریبانگیر جوامع بشری است.

نابودی یا تخریب جنگلهای وسیع، افزایش گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن تدریجی زمین و ذوب یخهای منجمد قطب شمال، آلودگیهای مختلف آبها و منابع دریایی اقیانوسها و آلودگی هوا که در زندگی شهری چشمگیرتر است، آلودگیهای صوتی - بصری در زندگی امروزی، افزایش آلودگیهای ناشی از انفجارهای هسته‌ای، پسابهای زبان آور کارخانجات صنعتی عظیم و... مواردی هستند که نوع بشر را به سوی مفهوم فقط یک کره زمین رهنمون می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که با تداوم این فرایند نامطلوب، تمدن بشری در حال نابودی باشد و یادآور است از سخن نیچه: به زمانی تعلق داریم که تمدن آن به وسیله تمدن درخطر نابودی است. (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۵)

در کشورهای توسعه یافته اروپایی تلاشهای قانونی زیادی در جهت کنترل آلودگی و منابع آلاینده صنعتی صورت گرفته است که یکی از مهمترین اهرمهای قانونی "قانون هوای پاک" متتم سال ۱۹۹۰ می‌باشد. (Zelmanovich& et al; 1993)

بحرانهای زیست محیطی امروزه بگونه‌ای افزایش یافته اند که می‌توانیم نواحی و یا شهرهای امروزی را به عنوان یک سیستم اکولوژیک فرض کنیم که در این صورت داده‌های محیطی شامل انرژی، مواد غذایی و آب خواهد بود. انواع مختلف آلودگیها نیز می‌توانند به عنوان ستاده‌های سیستم

محبوب گردند. (شکویی، ۱۳۷۳)

در زمینه سیاستهای کنترل آلودگی شهری هاروی پیشنهادات زیادی ارائه می‌کند که به طور اختصار عبارتند از:

۱- آگاه نمودن افکار عمومی و دولتها نسبت به پیامدهای آلودگی شهری از طریق گوناگون و ایجاد گروههای فشار نظیر حزب سبز، دوستان زمین، جنبش سبز و...

۲- تأسیس آژانسهای حمایت از محیط زیست شهری

۳- کنترل و کاهش فعالیت آلاینده‌های درون شهری

۴- برقراری مالیاتهای سنگین تحت عنوان مالیات بر آلودگی (Harvey; 1996)

### توسعه پایدار ناحیه ای

از آنجایی که شهرها در متن یک ناحیه رشد و تکامل می‌کنند و شهرهای یک ناحیه مجموعه‌ای از یک شبکه پیچیده را بوجود می‌آورند، لذا مطالعه مفرد یک شهر و توسعه پایدار شهری بدون در نظر گیری عوامل ناحیه‌ای نمی‌تواند چندان مقبولیت علمی داشته باشد. دستیابی به امر توسعه پایدار ناحیه‌ای مستلزم درک صحیح روابط زیست محیطی جاری در یک ناحیه می‌باشد و به عبارتی دیگر باید دانست که مابین فعالیتهای اکولوژیکی در یک ناحیه از یک طرف و شرایط خاص آن ناحیه از طرف دیگر چه ارتباطی می‌تواند وجود داشته باشد.

در این زمینه تهیه و تدوین برنامه‌ریزی‌های محیطی ضروری بنظر می‌رسند، یعنی ارائه یک چارچوب در مورد چگونگی ارتباط انسان با محیط طبیعی، شناخت محیط و انطباق برنامه با مکانیزمهای طبیعی به طوری که با تقابل عملکردهای بشری و اکنشیهای محیطی به حداقل خود برسد و در این راستا از امتیازات محیط بهره‌مند شویم. (رامشت، ۱۳۷۵)

در مطالعات برنامه‌ریزی برای توسعه پایدار یک ناحیه می‌بایست بستر طبیعی ناحیه نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. ملاحظه گسترده و جایگزینی سکونتگاهها در بسیاری از نقاط جهان این نکته را روشن می‌کند که گسترش و باعدم توسعه این مراکز سکونتی و ساختمانهای مسکونی، تابع ساختمان طبیعی آن ناحیه بوده است. (خیام، ۱۳۷۱). مدیریت صحیح اجرای برنامه‌های زیست محیطی مرتبط با پروژه‌های توسعه ناحیه‌ای نیز مقوله‌ای است که نباید از نظر دور داشت. ورهان نخستین قدم در دستیابی به سیستم مدیریت متمرکز در راستای توسعه پایدار ناحیه‌ای را ملاحظه شرایط اکولوژیکی و اقتصاد اجتماعی ناحیه مورد مطالعه می‌داند. وی ضمن بررسی مقوله توسعه پایدار و برنامه‌ریزی پایدار، طرحهایی را برای ناحیه جنوب شرق برزیل ارائه می‌کند و متذکر می‌شود که توسعه‌های مثبت و پایدار، همیشه در یک چارچوب زیست محیطی و قانونی جای می‌گیرند و خلق شرایط پایدار در توسعه یک ناحیه، بستگی زیادی به شرایط و حفاظت طبیعت دارد. (Applied...; 1998) به هر حال قبل از اجرای هر نوع پروژه توسعه در سطوح ملی، ناحیه‌ای و شهری ابتدا می‌بایست از نقطه نظر اکولوژیکی ارزیابی شود، چرا که طبیعت بسیار حساس و شکننده است و هم

از این روست که تمامی فعالیتهای بشری می‌بایست در طول طبیعت قرار گیرند نه در عرض آن. به دیگر بیان در تصویب پروژه‌ها و طرحهای ناحیه یکی از فیلترهای گزینشی را می‌بایست به تحلیل هزینه-فایده‌های اکوسیستمی اختصاص داد. (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۵)

### توسعه پایدار شهری

شهر به مفهوم امروزی آن زاده انقلاب صنعتی است و به موازات پیشرفت‌های تکنولوژی و بهداشتی، شهرهای امروزی با سرعتی که در تاریخ بشری تاکنون آن را تجربه نکرده بود، رشد کردند و مشکلات خاص خود را بوجود آوردند. امروزه ضرورت توجه به این مقوله توسعه پایدار شهری بیش از هر زمان دیگری بر برنامه‌ریزان شهری هویداست، چرا که مرگ برنامه‌ریزی شهری سنتی در سالهای اخیر به کرات اعلام شده است. برنامه‌ریزی شهری حیات رسمی خود را در جهان با فنون برنامه‌ریزی شهری و روستایی انگلستان در سال ۱۹۴۷ آغاز کرد، این نوع برنامه‌ریزی ملهم از نظریات "گلدس" و "ابراکرامسی" بود و در اصل تهیه نقشه‌هایی را مدنظر داشت که تصویری تفصیلی از وضعیت دلخواه آینده به صورت کاربردی تعیین شده در مقاطع زمانی مشخص بدست دهد. بدین ترتیب، با وجود آن که امکان تجدیدنظر در نقشه‌ها در مقاطع ۵ ساله پیش بینی شده بود، اما فلسفه پشتیبان این شیوه برنامه‌ریزی در واقع "طرح جامع ثابت" را مدنظر داشت.

مفهوم جدید برنامه‌ریزی شهری ملهم از علوم جدیدتری چون سبیر نیک و نظریه سیستمها بود و به شهر بعنوان مجموعه‌ای پیچیده از نظامهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و... با روابط پیچیده متقابل می‌نگریست و در این میان برنامه‌ریزی را چون نظامی دارای روابط متقابل با این مجموعه می‌نگاشت. پیشگامان این شیوه برنامه‌ریزی "مک لولین" و "ویلسون" بودند، اما بزودی از همان انتهای دهه ۱۹۶۰ و در ابتدای دهه ۱۹۷۰ این شیوه جدید برنامه‌ریزی با نقادی روبرو شد. پیشگامانی چون "چدویک" به نقادی خود پرداختند و رویکرد سیستمی را برای برنامه‌نویسی شهری کافی ندانستند. در رویکرد جدید، رویکرد جدید مهندسی اجتماع، مشارکت بیشتر مردم، استفاده از پارادایم‌ها و شیوه‌های فیزیکی نوین درباره رابطه جزء و کل، رشد و بالارفتن بهره‌وری شهرها، مسائل محیط زیست طبیعی و انسانی و... طرح گشت. شیوه جدید برنامه‌ریزی شهری را تقابل مشارکتی نیز نامیده‌اند. (اطهاری، ۱۳۷۵)

خلاصه اینکه برنامه‌ریزی شهری سنتی اغلب اوقات به پدیده‌ای بی‌ارتباط با نیازهای روزمره ساکنان و کاروکسب شهرها یا به مانعی بر سر راه تأمین و پیشرفت آنها بدل شده است کنفرانس "ارزیابی مجدد فرایند برنامه‌ریزی شهری به عنوان توسعه و مدیریت شهری پایدار" که از سوی دست‌اندرکاران هابیت در اکتبر ۱۹۹۷ برگزار شد به این نتیجه رسید که یک سیستم نوسازی شده و سالم برنامه‌ریزی شهری که بتواند اهداف توسعه پایدار شهری را تأمین نماید به الگوی تازه‌ای نیاز دارد که شامل اجزاء زیر می‌باشد.

### مشارکت مردم

شهرسازان نباید روشهای مشارکتی بهتری را بیاموزند مهمترین مضمونهای این روشها عبارتند از دادن اختیارات و اصلاح و بهبود که:

- ۱- دلایل روشنتری جهت لزوم مداخله برنامه‌ریزی بدست می‌دهند.
- ۲- احساس مالکیت را تقویت می‌کنند، از دانش گسترده مردم در باره محیط زیست محلشان بهره می‌گیرند و منابع محلی را به حفاظت از محیط زیست و تأمین فعالیتهای و خدمات لازم جلب می‌کنند.
- ۳- ویژگیهای شفافیت و حساب پس دادن را در فرایند برنامه‌ریزی تقویت می‌کنند.

### تأمین مشارکت کلیه گروههای ذینفع

شهرسازان باید به میزانی بسیار بیشتر از گذشته با نیروهای زیر همفکری کنند و آنها را به مشارکت جلب نمایند.

- ۱- گروههای ذینفعی که از فرایند برنامه‌ریزی شهری تأثیر می‌پذیرد. (خانوارها، واحدهای تجاری، مالکان زمین، گروههای زنان و غیره)
- ۲- آنهایی که اهرمها و منافع اجرایی را کنترل می‌کنند. (مثلاً سیاستمداران، سرمایه‌گذاران و مؤسسات اجرایی)
- ۳- آنهایی که می‌توانند با در اختیار گذاردن اطلاعات مناسب و تجربه کارشناسی به این کار کمک کنند. (مثلاً سازمانهای غیردولتی، سازمانهای مردمی محلات، جامعه‌های حرفه‌ای و غیره)

به موازات این امر شهرسازان سیستم‌های اطلاعاتی بهتری (مثلاً در زمینه عملیات بازار زمین، ارتباطات متقابل میان فعالیتهای رسمی و غیررسمی مربوط به اشتغال، هزینه‌ها و منافع واقعی ناشی از مقررات کاربری زمین) به وجود آورند.

### هماهنگی

شهرها در درون خود و در ارتباطات متقابل با یکدیگر در سطح منطقه‌ای دائماً بغرنجتر می‌شوند. تصمیمات مربوط به وظایف و عملکردهای شهر، شغل و منافع مالی به میزان فزاینده‌ای در سطح ملی یا جهانی اتخاذ می‌شوند. برنامه‌ریزی شهری برای برآوردن نیازهای حاصله در زمینه هماهنگی افقی میان وظایف گوناگون مدیریت شهری (برنامه‌ریزی فضایی، مالی، بخشی، اجتماعی اقتصادی و نهادی) در عین حال هماهنگی عمودی میان نظریات از "پایین به بالا" و "از بالا به پایین" و خط‌مشی‌های ارشادی از سوی دیگر در موقعیت خوبی قرار گرفته است.

### روشهای پایدار

برنامه‌ریزی شهری زنده و سالم باید در کنار دیگر وظایف و در متن توجه درازمدت به تأمین توسعه شهری پایدار به نفع نیازهای کوتاه مدت اقدام کند. این کار برای مثال از طریق اتخاذ سیاستهای بهره‌برداري از منابع شهر - منطقه، تلاش برای حل نیازهای اساسی فقرای شهر، استفاده از فرمهای شهری باصرفه (از لحاظ مصرف انرژی) اجتناب از کارهای آسیب

۴ - حبیام، دکتر مقصود، ۱۳۷۱، نگرشی بر تنگناهای فیزیکی توسعه شهر تبریز، سمینار شهر هاومردم دانشگاه تبریز.

۵ - رامشت، دکترم، ۱۳۷۵، کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی ملی، منطقه‌ای و اقتصادی، دانشگاه اصفهان.

۶ - سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۲، سابقه برنامه ریزی در ایران، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای.

۷ - شکویی، دکتر حسین، ۱۳۷۳، دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، سمت.

۸ - گودرزی نژاد، دکتر شاپور، ۱۳۷۳، جغرافیای ترکیبی نو (جلد اول) تألیف پیرهاگت، سمت.

۹ - محلاتی، صلاح الدین، ۱۳۷۵، آشنی انسان با طبیعت، تألیف ادوار دیونفو، نشر دانشگاهی.

10 - Applid Geography and Development, 1998.vol. 25.25.: 7/11/19/25.

11 - Conference on Enviroment in Rio de Janiro 1992.3-14 Jun.

12 - Gale.R.P.&Co rdary /S.1994.Making Sennse of Sustainability: Nine answers to What Should Be Sustained. Rural Sociology.vol:59:325.

13 - 20-Harvey,J.1996.Urban Land Economics.Macmillan.

14 - Moughtin,C.1996.Urban Design:Green Dîmensions. Butterworth.

15 - Rey,S1993.Susainable Development Throgh The Development of the Nonfrom Sector. ZMagazin.September:67.

16 - Unesco Courire.1997.Mayor.F.Noveber.

17 - Zelmanovich,&&Min M.&Kirmwn,1993.Air Pollution Control for bluk pharmaceutical Chemical manufacturing facilitie. Pharmaceotical Journal.Jul-Aug.No13:30.

زنده به محیط زیست و انجام ارزیابی‌های تأثیرات در رابطه با توسعه پایدار، انجام می‌گیرد برنامه‌ریزان شهری باید دستیابی به پایداری مالی (از لحاظ مکانیسم‌های ابتکاری باز یافت) هزینه صرف شده، منافع تأمین مالی و نقل انتقالات مالی میان حکومتی را یک آماج بسیار مهم و حیاتی خود محسوب کنند.

## اهرم کمکی

اخذ تصمیمات در پایین‌ترین سطوح ممکن که با دستیابی به اهداف مورد نیاز ناهماهنگی نداشته باشد به تأمین حداکثر مشارکت مردم در فرایندهای برنامه‌ریزی و به حداکثر رساندن کارایی آن کمک خواهند کرد. برنامه‌ریزی شهری که با استفاده از این روشهای مؤثر به زندگی بازگشته است می‌تواند نهادهای مؤثر تر و کارآمدتری در اختیار روند مدیریت شهری قرار دهد. برنامه‌ریزی شهری این کار را برای مثال از طریق به عهده گرفتن نقش فعال و مبتکرانه در توسعه زمین، تأمین فزاینده نیازهای بخش غیررسمی از طریق توجه به امنیت تصرف و برقراری تدریجی ضوابط، استفاده از سیاستهای رشد شهری تحت هدایت رشد زیرساخت و اشکال جدید مشارکت بخشهای عمومی و خصوصی کمک به بهبود روشهای تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و حداکثر استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی نظیر (GIS) انجام می‌دهند.

## نتیجه

رشد شهرهای امروزی به گونه‌ای است که در تاریخ شهرنشینی بی‌سابقه بوده است و به موازات همین رشد مشکلات زیست محیطی درون شهری نیز افزون گشته است. متأسفانه فرصت زیادی برای ترمیم خرابیهای گذشته و بهسازی وضعیت موجود و حفاظت از محیط زیست باقی نمانده است. درنگ بیشتر در این زمینه تنها به پیچیده‌تر شدن مشکلات کمک می‌کند. آملی برای زندگی خود محیطهای شهری را بنیان نهاد که فاقد هرگونه قابلیت خودتنظیمی طبیعی اند بدین لحاظ خوداوست که در اینجا نقش کنترل‌کننده و تنظیم‌کننده را بر عهده گیرد.

از اینرو توجه جدی به توسعه پایدار شهری و نقش مهم آن در برنامه‌های مدیریت شهری منقوله‌ای است که رویکرد نویی را در برنامه‌ریزیهای شهری می‌طلبد و این مهم برآورده نخواهد شد مگر با مشارکت شهروندان و گسترش برنامه‌ریزی مشارکتی.

## منابع و مأخذ

۱ - اطهاری، کمال، ۱۳۷۵، بحران اندیشه در شهرسازی معاصر ایران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۲ و ۳۱ صص ۲۳.

۲ - حسین زاده دلیر، کریم، ۱۳۷۵، تئوریهای برنامه ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز (جزوه درسی)

۳ - حیدری چیا، رحیم، مکاتب شهری، سمینار بین المللی شهرهاومردم، دانشگاه تبریز.